

## **Evaluation and analysis of how Iranians' constitutionalism was influenced by the Ottoman constitution**

**Esmail Shams\***

### **Abstract**

How Iranians were influenced by the Ottoman constitution has always been one of the challenging topics. Some authors have denied this issue and others have spoken about the influence of the Ottoman constitution on Iran's constitutionalism as if the Ottomans were the creators of Iran's constitution. The main problem of the author in this research is to know the nature and dimensions of Iranian influence on the Ottoman constitution. The findings of the research show that Iranian intellectuals interacted with the Western world, India, as well as the constitutionalism of Russia and Japan, along with the Ottoman Empire, and they were familiar with the constitution and the concept of the modern state. Even before the Ottoman constitution, they realized the necessity of reforms in their governance system; Therefore, Iran's constitution was an endogenous and original matter and it cannot be considered as an imitation or subject of Ottoman rule. The only exception was that the Ottoman constitutionalism happened earlier than Iran due to the neighborhood and the influence of the West, and the number of Iranians residing in the Ottoman Empire who were affected by it was more than the Iranians of other countries. Iranian intellectuals are also trying to adapt constitutional laws to religion; They needed Ottoman experience. These three issues, discussed in this research , caused Iran's constitution to be formally influenced by the Ottoman Empire

**Keywords:** Influence, constitutionalism, Iran, Ottoman, transition, Istanbul

\* Assistant professor of Allameh Tabatabai University, Tehran, esmailshams@atu.ac.ir

Date received: 2022/08/13, Date of acceptance: 2022/09/27



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ارزیابی و تحلیل ماهیت تأثیرپذیری مشروطه خواهی ایرانیان از مشروطه عثمانی

اسماعیل شمس\*

### چکیده

چگونگی تأثیرپذیری ایرانیان از مشروطه عثمانی همواره یکی از مباحث چالش برانگیز بوده است. برخی نویسندگان این موضوع را نفی کرده و برخی دیگر چنان از تأثیرگذاری مشروطه عثمانی بر مشروطه خواهی ایران سخن گفته اند که گویی عثمانی‌ها سازنده مشروطه ایران بوده اند. مسئله اصلی نگارنده در این پژوهش، شناخت ماهیت و ابعاد تأثیرپذیری ایرانیان از مشروطه عثمانی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روشنفکران ایرانی به موازات عثمانی با دنیای غرب، هندوستان و نیز مشروطیت روسیه و ژاپن تعامل داشتند و ضمن آشنایی با مشروطه و مفهوم دولت مدرن؛ حتی پیش از مشروطه عثمانی به ضرورت انجام اصلاحات در نظام حکمرانی خود پی برده بودند؛ بنابراین مشروطه ایران امری درون‌زا و اصیل بود و نمی‌توان آن را تقلیدی و تابع عثمانی دانست. تنها استثنا این بود که مشروطیت عثمانی به سبب همسایگی و تأثیر غرب زودتر از ایران رخ داد و شمار ایرانیان مقیم عثمانی که تحت تأثیر آن قرار گرفتند از ایرانیان دیگر کشورها بیشتر بود. روشنفکران ایرانی نیز برای تطبیق قوانین مشروطه با دین؛ به تجربه عثمانی نیاز داشتند. این سه موضوع که در این پژوهش به آنها پرداخته می‌شود، سبب شدند تا مشروطه ایران به شکل صوری و فرمال تحت تأثیر عثمانی قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** تأثیرپذیری، مشروطه، ایران، عثمانی، انتقال، استانبول

\* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی تهران، emailshams@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

دو قرن پس از حمله مغول و انقراض خلافت عباسی، عثمانی و سپس ایران صفوی که در دوران ۵۰۰ ساله عباسیان سرزمینهایشان زیر نظر خلافت بود به دو وارث بلافصل آن تبدیل شدند. این دو قدرت به رغم مذهب، جغرافیا و هویت متفاوت و قرن‌ها رقابت و ستیز عملاً سرنوشت تاریخی مشترکی یافتند و به تعبیر دقیق‌تر، سرنوشت آنان به هم گره خورد. عثمانی‌ها پس از تصرف قسطنطنیه به سبب همجواری با غرب به مهم‌ترین حلقه انتقال فرهنگ اروپایی به ایران تبدیل شدند. شکست عثمانی در جنگ با اطریش (۱۷۱۸) و سپس شکست از روسیه و واگذاری خانات مسلمان نشین کریمه به آن کشور (۱۷۷۴)، سبب شد تا عثمانیان طعم تلخ برتری غرب را زودتر از تجربه مشابه ایرانیان در عهدنامه‌های گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۵) بچشند. این شکست‌ها سرآغاز بازنگری نخبگان عثمانی در ساختارهای اداری خویش؛ حداقل نیم قرن پیش از همتایان ایرانی خود بود. مشروطه اول عثمانی (۱۸۷۶م/۱۲۹۳ق) نتیجه تأثیرات و حتی فشار اروپا بر آن کشور بود و وقوع انقلاب مشروطه در ایران، آن هم ۳۰ سال پس از عثمانی، فی‌نفسه نمی‌تواند مشروطیت ایران را به پیامد مشروطه عثمانی تقلیل دهد. مسأله اصلی این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام پذیرفته، ارزیابی چگونگی تأثیرپذیری ایرانیان از مشروطه عثمانی است و برای شناخت بیشتر مسأله پژوهش، این پرسش‌ها مطرح شده‌اند: آیا مشروطه عثمانی الهام بخش و سرمشق مشروطه خواهی ایرانیان بوده است؟ ماهیت این الهام بخشی، در صورت وجود، چگونه بوده است؟ آیا ایرانیان محتوای اندیشه مدرن دولت را از عثمانیان گرفته‌اند یا این که تنها به سبب تقدم زمانی از تجربه آنها بهره برده‌اند؟ آیا ایرانیان پیش از مشروطه عثمانی با غرب و دیگر کشورهای آشنا با مفاهیم مشروطه ارتباط داشته و از آنها تأثیر پذیرفته‌اند؟

هرچند تاکنون پژوهشی با محوریت عنوان این مقاله انجام نشده است؛ اما پژوهشهایی درباره مشروطه عثمانی و مشروطه ایرانی صورت گرفته‌اند که با برخی مباحث این پژوهش، مشابه هستند. بیش از همه باید از کتاب مشروطه عثمانی نوشته حسن حضرتی و نیز دیگر کتابها و مقالات متعدد ایشان در این باره نام برد که در این پژوهش هم به آنها استناد شده است. عمده تمرکز حضرتی در کارهایش نشان دادن پیشرو بودن عثمانیان در امر مدرنیته و مشروطه خواهی و بهره گرفتن ایرانیان از تجربه آنان است؛ اما او کمتر به فرایند و

ماهیت اخذ این تجربه توسط ایرانیان پرداخته است. کتاب مشروطه ایران و عثمانی؛ بررسی تطبیقی، تألیف مشترک حسن حضرتی و علیرضا ملایی توانی نیز از پژوهشهایی است که عنوان و محتوای آن مشابه این پژوهش است؛ اما چنانکه از فهرست مطالب و موضوعات کتاب برمی آید، دغدغه اصلی نویسندگان، تطبیق تاریخی و وقایع محور فرایند مشروطه خواهی در ایران و عثمانی است و شناخت ماهیت تأثیرپذیری مشروطه ایران از عثمانی مسئله آن پژوهش نبوده است. هما ناطق نیز در رشته مقالات «پی آمدهای سیاسی و اقتصادی «تنظیمات عثمانی: ترکان، ارمنیان و ایرانیان» در چند جا به تأثیرپذیری مستقیم روشنفکران ایرانی از مشروطه نخست عثمانی اشاره کرده و در این میان به ارمنیان عثمانی نیز به عنوان حلقه واسطه مشروطیت در ایران و عثمانی پرداخته است. او بر این باور است که تنظیمات (اصلاحات عثمانی) در هر دوره الهام بخش دولتمردان ایران بوده است و واژه ها و عباراتی را که عثمانیان برای نهادهای نوین خود برگزیدند؛ ایرانیان به همان شکل به عاریت گرفتند. دیدگاه ناطق درباره تأثیرپذیری ایرانیان از مشروطه عثمانی در مقوله اخذ الفاظ و اصطلاحات تا حدودی درست است؛ اما این که مشروطه خواهی عثمانی در هر دوره تنها الهام بخش ایرانیان بوده باشد نگاهی حداکثری و قابل نقد است. مقاله مقصود رنجبر با عنوان «انقلاب مشروطه در ایران و نقش امپراتوری عثمانی» از جمله پژوهشهایی است که تأثیرگذاری عثمانی بر مشروطه ایران را به شکل حداکثری دیده و اصلاح طلبان و مشروطه خواهان ایرانی را تابع عثمانی پنداشته است. مقاله مسلم عباسی در نشریه یاد با عنوان «تأثیر روزنامه اختر بر پدیده قانون خواهی در انقلاب مشروطیت» از دیگر پژوهشهایی است که بخشی از مطالب این پژوهش با یافته های آن پیوند دارد؛ اما او نیز به روزنامه اختر همچون پدیده ای مستقل نگاه کرده است؛ در حالی که در این پژوهش اختر به مثابه راوی مشروطیت عثمانی برای ایرانیان دیده می شود. قدیمی قیداری و صادقی هم به رویکرد روزنامه اختر به اندیشه های سیاسی جدید و انقلاب پرداخته اند؛ اما این پژوهش نیز همان ویژگی مقاله عباسی را دارد و به مسأله ای که این مقاله بر آن متمرکز است، کمتر پرداخته است. به همان میزان که روزنامه اختر حلقه واسطه مشروطه اول عثمانی و انقلاب مشروطه در ایران بود؛ روزنامه شمس نیز همین نقش را میان انقلاب مشروطه ایران و مشروطه دوم عثمانی ایفا کرد. شمس، هم راوی مشروطه ایران برای عثمانی ها بود و هم گزارش مشروطه دوم عثمانی را به صورت دست اول و مستقیم برای ایرانیان روایت کرد. این نقش دوگانه شمس را بیش از هر جا می توان در پژوهش عطاء الله حسینی با عنوان

تحلیل محتوایی شمس و نیز مقاله گزیده‌هایی از روزنامه شمس در نشریه یاد مشاهده کرد. مقاله جمشید بهنام با عنوان «اسلامبول، منزلگاهی در راه تجدد ایران» به لحاظ تئوریک به سازمان نظری این پژوهش کمک کرده است؛ اما بیشتر دارای صبغه تحلیلی است و جنبه‌های استنادی و پژوهشی آن کمتر است. باقر صدری نیا در مقاله «تأثیر ادبیات نوگرایی ترک بر تحول شعر فارسی عصر مشروطه» و بنی اردلان و عزیززی در «تأثیر فرانسه، روسیه و عثمانی بر تئاتر مشروطه» بر جنبه‌های خاصی از نقش و تأثیر عثمانی در تحولات مشروطه ایران پرداخته‌اند، ولی چنانکه مشخص است رویکرد آنان خاص گرایانه است و به ماهیت سیاسی مشروطیت ورود نکرده‌اند. چند پژوهش دیگر هم در این حوزه وجود دارند که در مقاله به آنها اشاره شده و صحبت بیشتر درباره آنها به اطلاع کلام می‌انجامد، اما آنها هم ورود جدی به مسأله اصلی این پژوهش نداشته‌اند.

## ۲. مشروطه عثمانی

مشروطه عثمانی که ریشه در ایدئولوژی عثمانی جوان در برابر عثمانی پیر داشت (Berkes 1998: 208)، نتیجه مجموعه‌ای از رخداد‌های داخلی و تحولات خارجی به ویژه در پیوند با اروپا بود که سلطنت را به انجام پاره‌ای اصلاحات مجبور کرد. این نوع اصلاحات که در تاریخ عثمانی عموماً به نام «تنظیمات» شناخته می‌شود؛ در فاصله سالهای ۱۸۳۹ تا ۱۸۷۶ (سال وقوع مشروطه اول عثمانی) اجرا شدند و شامل اصلاحات قانونی، مالی، اداری، آموزشی و نظامی مختلفی بودند. (Berkes 1998: 137-152). تأسیس اداره اوقاف (۱۸۲۶)، تشکیل وزارت خانه‌ها، هیئت وزیران و گروه‌های مشورتی در امور حکومتی (۱۸۲۶)، ارتش جدید به سبک اروپایی با یونیفورم، نظام نوین سربازگیری (تا ۱۸۲۸)، انجام سرشماری (۱۸۳۱)، لغو اقطاع داری و ثبت اراضی (۱۸۳۱) مقررات حقوقی و قانون جزا (۱۸۴۰) و بسیاری اقدامات دیگر که به تقویت سکولاریسم در برابر سنت اسلام محور حاکم انجامید، از جمله مسائلی بود که زمینه را برای مشروطه عثمانی فراهم کرده بود (لوئیس ۱۳۷۲: ۹۰-۱۷۰؛ خلیلی خود ۱۳۷۳: ۱۳۲؛ Berkes 1998: 153-198). در سال ۱۸۷۶/م ۱۲۹۳ق قانون اساسی مشروطه اول عثمانی با فرمان سلطان عبدالحمید دوم در ساختار سیاسی عثمانی رسمیت یافت (حضرتی ۱۳۸۸: ۵۷-۵۸). مشروطه عثمانی با شورش طلاب دینی و حمایت علما آغاز شد. آنان با حمایت شیخ الاسلام عثمانی که کلاسهای

درس دینی را تعطیل کرده بود در میدان بایزید و فاتح تجمع کردند. اعتراضات آنها سلطان عبدالعزیز را ناچار کرد که ندیم پاشا را از مقام صدراعظمی عزل و مترجم رشدی پاشا را جایگزین او کند. مدحت پاشا از مشروطه خواهان برجسته نیز به سمت رئیس شورای دولتی انتخاب شد. اقدامات عبدالعزیز نه تنها اوضاع را آرام نکرد، بلکه به عزل زودهنگام او از مقام سلطنت و قتل بعدی او انجامید. جانشین او مراد هم نتوانست به اوضاع سرو سامان دهد و سرانجام مشروطه خواهان با گرفتن تضمین از عبدالحمید دوم برای اعلام اصلاحات و صدور فرمان مشروطیت، او را به سلطنت نشانندند (حضرتی ۱۳۸۹: ۱۶۰-۱۶۴). سلطان عبدالحمید دوم در ۷ اکتبر ۱۸۷۶ / ۱۸ رمضان ۱۲۹۳ دستور تأسیس کمیسیون بررسی سه پیش نویس اصلی قانون اساسی را که به وسیله مدحت پاشا، سعید پاشا و سلیمان پاشا نوشته شده بودند، صادر کرد. پس از مذاکراتی دو ماهه سرانجام متن نهایی قانون اساسی توسط سلطان عبدالحمید امضا و در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶ م / ۷ ذی حجه ۱۲۹۳ ق رسماً اعلان شد (همان: ۱۶۶، ۱۷۶). در این قانون، سلطان، مقدس، غیرمسئول و برخوردار از مشروعیت دینی شد. همچنین بر اساس ماده ۳ قانون اساسی، سلطنت به شکل موروثی در آل عثمان ادامه می یافت. سلطان طبق ماده ۷ عهده دار کلیدی ترین وظایف یک دولتمدار، مانند فرماندهی کل قوا، تشکیل و انتخاب مجلس مبعوثان، عزل و نصب وزرا، حق تبعید وزیران و هرکسی را که در امنیت حکومت اخلال کند، ضرب سکه، اعلان جنگ و صلح و اعطای درجات نظامی بود. بر اساس ماده ۴ سلطان حامی دین اسلام [بدون اشاره به مذهب سنی یا هر مذهب دیگری] است. نهاد ملی برآمده از مشروطه عثمانی مجلس مبعوثان است. این مجلس در ۱۹ مارس ۱۸۷۷ م / ۴ ربیع الاول ۱۲۹۴ با ۶۹ نماینده مسلمان و ۴۶ نماینده اقلیتهای دینی تشکیل شد. بر پایه قانون اساسی موجود در کنار مجلس مبعوثان، مجلس اعیان نیز تأسیس گردید؛ همچنین دستگاه عدلیه، شوراهای ولایتی و ناحیه ای هم ایجاد گردید؛ آزادی های فردی و اجتماعی، برابری اتباع عثمانی، آزادی مطبوعات و آزادی آموزش نیز به رسمیت شناخته شد (Berkes 1998: 223-248؛ حضرتی ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۷).

مشروطه عثمانی با وجود پیروزی اولیه چندان دوام نیاورد و چندی بعد سلطان عبدالحمید آن را ناکام گذارد. نیازی برکس، تاریخدان مشهور ترکیه، سه پایه مشروطه عثمانی را سنت اسلامی، ناسیونالیسم ترکی و تأثیر و فشار غرب می داند و بر این باور است که ناسازگاری میان این سه عنصر اجازه نداد که مشروطیت در این کشور به مقصود خویش نائل شود (Berkes 1998: 201-205).

### ۳. مشروطه عثمانی، سرمشق مشروطه خواهی در ایران؟

سید حسن تقی زاده انقلاب مشروطه عثمانی را سرمشق مشروطه خواهی در ایران می داند (تقی زاده بی تاریخ: ۳۹). از آنجا که این جمله سبب پیدایش سوء تفاهم های زیادی شده است، طرح این پرسش ضروری است که منظور از سرمشق چیست؟ برای پاسخ به آن ذکر چند نکته درباره نسبت مشروطه عثمانی و مشروطه ایرانی ضروری است: نخست این که، دقت در مفهوم و محتوای قانون اساسی عثمانی نشان می دهد که روح این قانون از دولت مدرن و کنستیتوسیون فاصله زیادی دارد و به سبب تجمیع قدرت دینی و دنیوی در شخص سلطان، او چنان قدرتی یافته است که در کمتر دولت استبدادی نظیر آن دیده می شود. بررسی تطبیقی اختیارات سلطان در قانون اساسی مشروطه ایران با مشروطه اول عثمانی نشان می دهد که پادشاه ایران دارای اختیارات کمتر؛ و البته قانونمندتر از سلطان عثمانی است (حضرتی ۱۳۸۶: ۵۷-۷۰). از سوی دیگر، اختیارات نهاد پارلمان در قانون اساسی مشروطه ایران بسیار وسیع تر از پارلمان در مشروطه اول عثمانی است (حضرتی ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵). بنابراین اگر منظور از سرمشق، الگوبرداری از محتوای اختیارات مجلس و پادشاه به عنوان دو رکن اصلی نظام مشروطه (کنستیتوسیون) است، ایرانیان، مشروطه اول عثمانی را الگو و سرمشق خود قرار نداده اند و در مقام مقایسه مفهومی، مشروطه ایران مدرن تر و پیشروتر از مشروطه عثمانی بود. مهم تر از آن، به لحاظ محتوای مدرن، مشروطه اول عثمانی را نمی توان مشروطه واقعی به معنای دولت قانون و مشروطه سلطنتی دانست. همین کاستی ها و نقایص بود که سبب شد مشروطه خواهان عثمانی دو سال پس از انقلاب مشروطه ایران، اصلاحات و تغییراتی را در قانون اساسی مشروطه اول پدید آورند و سلطان عبدالحمید را به پذیرش مشروطه دوم وادار کنند. سلطان در روز جمعه ۳۰ جمادی الثانی ۱۳۲۶ ق/ ۲۹ ژوئیه ۱۹۰۸ م فرمان اجرای قانون اساسی را صادر کرد و سلطنت مطلقه عثمانی، [این بار به معنای واقعی]، مشروطه شد (دولت آبادی ۱۳۷۱: ۲۶/۳). یحیی دولت آبادی که در هنگام وقوع مشروطیت عثمانی در استانبول به سر می برد، در خاطرات خود از برگزاری «یک میتینگ بین المللی در حمایت از مشروطه ایران» در استانبول خبر می دهد (همان: ۷۵). ایرانیان اخبار مشروطه دوم عثمانی را بیش از هر جا از طریق روزنامه فارسی زبان شمس، چاپ استانبول دریافت می کردند (گزیده هایی از روزنامه شمس ۱۳۸۶: ۱۴۰-۲۳۰).



نکته دوم این است که انقلاب اول مشروطه عثمانی به لحاظ زمانی سی سال پیش از مشروطه ایران رخ داد و بنابراین تأثیر فوری بر آن نداشت. از همین جا می توان یک استدلال ثانویه را مطرح کرد و آن این که اگر تقدم زمانی سی ساله سبب شود که انقلاب مشروطه ایران نتیجه مشروطه ناتمام عثمانی پنداشته شود چرا به طریق اولی مشروطه دوم عثمانی را که تنها دو سال پس از انقلاب مشروطه ایران رخ داد، نتوان پیامد آن محسوب کرد؟ افزون بر این، محمد علی پاشا، خدیو مصر بسی زودتر از عثمانی ها به فکر تدوین قانون اساسی و مشروطیت افتاد و در ۱۸۴۸ قانون عام [اساسی] را تدوین کرد (ناطق ۱۳۷۸: ۱/ ۲۸۹). اگر تنها تقدم زمانی، فرض الهام گرفتن از دیگری شود در این صورت می توان مصری ها را از عثمانی ها برای سرمشق شدن ایران، سزاوارتر دانست. الگوی عثمانی مشروطه البته مانند نسخه های انگلیسی، ژاپنی، روسی و حتی مصری مورد توجه ایرانیان قرار داشت و این، کاملاً طبیعی بود. تنها تفاوت موجود میان نسخه عثمانی با دیگر نسخه ها و الگوهای مشروطیت، این بود که عثمانیان اندیشه های تجددخواهی خود را در قالب آموزه های اسلامی مطرح می کردند و قائل به وجود تباین بین اندیشه های مشروطه خواهی و آموزه های اسلامی نبودند (لوئیس ۱۳۷۲: ۲۲۴-۲۲۶). اندیشمندان و متجددان ایرانی نیز ترجیح دادند که این نوع الگو را که پیش تر عثمانی ها آزموده و تا حدودی با فرهنگ و اصول اسلامی سازگار و منطبق ساخته بودند (دهقانی ۱۳۹۰: ۵-۶) مورد دقت و توجه بیشتری قرار دهند. هر چند برخی ها همسایه بودن و نزدیکی جغرافیایی عثمانی به ایران و البته همزبان بودن بخشی از ایرانیان با عثمانی را عامل اصلی توجه بیشتر ایرانیان به مشروطه عثمانی دانسته اند؛ اما بدیهی است که این، همه پاسخ نیست، زیرا روسیه نیز همسایه نزدیک ایران بود، در حالی که ایرانیان چنین توجهی را به تجربه روسها نداشتند. روزنامه اختر در یکی از شماره هایش نقش منحصر به فرد عثمانی را برای ایرانیان ساکن استانبول این گونه توضیح می دهد:

... ایرانیانی هم که در این مملکت اقامت دارند در جمیع مجالس رسمیه ملی راسمه دعای قوت و بقای دولت علیه عثمانیه را مانند دولت متبوعه خودشان ایفا و ظفر و نصرت دولتین قوی شوکت را از درگاه ایزد یگانه می طلبند. مخفی نیست که نه در هند نه در چین و نه در روس و غیره ایرانیان خود را مدیون نمی دانند که از برای حکمداران و وکلای آن دیار رسماً دعا کنند، ولی در این مملکت جمیع ایرانیان در همه اجتماعات و مجالس ملیه خود دعای سلطان را با دعای متبوع مفخم خودشان ردیف داشته از

وظایف اسلامیت خود می‌شمارند (اختر: س ۷، ش ۱۱: ۸۹ و ۹۰، ۸ ربیع‌الآخر ۱۲۹۸-۱۰ مارس ۱۸۸۱).

البته باید توجه داشت که سطح تأثیرپذیری ایرانیان از تجربه عثمانی‌ها در تلفیق مشروطیت با مفاهیم دینی هم چندان از جنبه صوری و لفظی فراتر نرفته است. با نگاهی به قانون اساسی مشروطه ایران به آسانی می‌توان تأثیر گسترده الفاظ قانون اساسی عثمانی را بر آن مشاهده کرد (حضرتی ۱۳۸۸: ۳۳-۴۰؛ همان ۱۳۸۶: ۵۷-۶۸). به نظر می‌رسد در این جا ماهیت سرمشق بودن مشروطه عثمانی برای مشروطه خواهی در ایران را بتوان در این جمله جمشید بهنام خلاصه کرد که در تعبیری دقیق استانبول (اسلامبول) را «منزلگاهی در راه تجدد ایران» نامیده است (بهنام ۱۳۷۲: ۲۷۱). حقیقت آن است که استانبول به عنوان مرکز مشروطه عثمانی تنها یک منزلگاه در راه مشروطه ایرانی بود و این نقش را دیگر پایتختهای اروپایی و حتی آسیایی در ابعادی کمتر برای ایرانیان ایفا کرده بودند. در ادامه مقاله، فرایند و ابعاد تأثیر پذیری صوری و فرمال ایرانیان از مشروطه عثمانی با توجه به ابعاد تقدم زمانی، ایرانیان استانبول و تلفیق با ادبیات و اصطلاحات دینی توضیح داده خواهد شد.

افزون بر این، یک نکته را نباید نادیده گرفت که ایرانی‌ها پیش از مشروطه عثمانی در ۱۲۹۳ق، خود با مفاهیم مدرن غربی آشنا شده و پیوند مستقیمی با غرب برقرار کرده بودند. عبدالرزاق بیگ دنبلی، جنگهای ایران و روسیه را که دست کم نیم قرن پیش از مشروطه عثمانی رخ دادند، سرآغاز بیداری ایرانیان و آشنایی با غرب دانسته است:

اگر پیش از این [دوره دوم جنگهای ایران و روس] یکی از اهل ایران، یکی از اهل فرنگ را در این بلاد می‌دید از وضع و هیأت و لباس ایشان تعجب می‌کرد و اهل ایران، نمی‌دانستند که فرنگ چند قرال است و ممالک ایشان در چه سمت است و پایتخت هریک کجاست (دنبلی ۱۳۵: ۱۴۲).

اگر از کسانی مانند فتحعلی آخوندزاده (وفات ۱۲۹۵ق) که اندیشه‌های مدرن او سرمشق عثمانی‌ها هم بود، و حتی پیش از او کتاب تحفه العالم عبداللطیف شوشتری (وفات ۱۲۲۰ق) و سفرنامه میرزا صالح شیرازی (وفات: ۱۲۶۱ق) که در آنها از نظام پارلمانی، خانه عدالت [عدالتخانه]، مشورتخانه، پارلمنت و دیگر تعبیرات نزدیک به مشروطیت سخن رفته است (شوشتری ۱۳۶۳: ۲۷۹-۲۸۴؛ شیرازی ۱۳۴۷: ۲۰۴-۲۰۷، ۳۱۴) صرف نظر شود در رساله شرح عیوب (۱۲۷۵ق) از اصطلاح دارالشورای ملتی سخن رفته و

دولت و ملت نیز در مفهوم جدید به کار رفته اند (زرگری نژاد ۱۳۸۰: ۱۴۰-۱۴۴). همچنین در رساله منهای العلی (۱۲۹۴ق) که نویسنده آن مقیم مصر بوده و تقریباً همزمان با مشروطیت عثمانی آن را نگاشته است از تقسیم حکومت به فردی (سلطنتی) و جمهوری و تقسیم سلطنت به مطلقه و معتدله (مشروطه) صحبت شده است. پیشنهاد نویسنده این رساله برای ایرانیان، پیروی از غرب و گزینش کنستیتوسیون یا نظام مشروطه است و می نویسد: «در پیش درآمد و ترقی دولت و ملت لابد باید تاسی به تنظیم و قواعد دول فرنگ بکنیم» (همان ۱۳۸۰: ۲۱۶، ۲۶۲).

آشنایی ایرانیان با مشروطه و دنیای مدرن تنها به ایرانیان خارج از کشور محدود نمی شد، بلکه در داخل ایران و حتی در سطح دولت نیز این آشنایی وجود داشت. در سال ۱۲۷۰ قمری و ۳۳ سال پیش از مشروطه عثمانی روزنامه وقایع اتفاقیه در هنگام بحث از مجلس انگلستان از وکلای ملت در آن کشور سخن گفته است (وقایع اتفاقیه، ش ۱۸۸، س ۴، ۱۳ ذی حجه ۱۲۷۰: ۱۲۰۸) که نشان دهنده آشنایی روزنامه نگاران رسمی و حکومتی داخل ایران با نظام مشروطه سلطنتی است. خود ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۳ق برای نخستین بار عبارت «ملت و دولت ایران» را به کار برد (همان، ش ۳۰۷، س ۷، ۲۴ ذی قعدة ۱۲۷۳: ۲۲۲۰)؛ چیزی که پیش از آن هرگز در ادبیات رسمی سابقه نداشت و ملت در معنای سنتی دین و مذهب به کار می رفت. مهم ترین روزنامه‌ای که دربرگیرنده مفهوم مدرن دولت و ملت بود و در دوره قاجار منتشر شد، روزنامه «ملت سنیه ایران» با مدیریت علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه بود. شماره اول روزنامه در ۱۵ محرم ۱۲۸۳ق و شماره دوم در ۱۴ ربیع الاول ۱۲۸۳ق منتشر شد و از شماره سوم به روزنامه ملتی تغییر نام داد. در شماره اول روزنامه ملت سنیه ایران با احساسات زیادی از سرزمین و ملت ایران سخن رفته و از ترکیباتی نظیر «خاک پاک ایران» استفاده شده است (ملت سنیه ایران، ش ۱، س ۱، ۱۵ محرم ۱۲۸۳: ۱) که نشان دهنده آشنایی نویسنده با مفاهیم مدرن است. همچنین میرزا حسنین خان سپهسالار روزنامه ای به نام «La Patrie» (وطن) در ۹ محرم ۱۲۹۳ق منتشر کرد (آدمیت ۱۳۸۵: ۳۹۰-۳۹۱) که عنوان آن نشان دهنده تأثیرپذیری مستقیم از فرانسویان است. همه اینها نشان می دهد که پیش از مشروطیت عثمانی، روشنفکران و حتی دولتمردان ایرانی با نظام مشروطه و تحولات دنیای مدرن آشنایی داشتند و مستقیماً و از نزدیک با آن در ارتباط بودند؛ بنابراین به لحاظ تاریخی و البته محتوای اندیشه دولت مدرن، نمی توان عثمانی را سرمشق و پدید آورنده مشروطه در ایران دانست.

#### ۴. مشروطه عثمانی و اصلاحات دولتی در دستگاه ناصری

از نظر زمانی پروسه تنظیمات در عثمانی تا امضای فرمان مشروطه توسط سلطان عبدالحمید همزمان با سلطنت ناصرالدین شاه در ایران بود. فرمان تنظیمات یا «خط شریف گلخانه» در زمان صدارت مصطفی رشید پاشا همزمان با دوران امیرکبیر صادر شد. امیر کبیر تنظیمات و تحولات جدید عثمانی را از نزدیک لمس کرده و به مدت چهار سال رئیس هیأت ایرانی در مذاکرات ارزنة الروم بود (آدمیت ۱۳۸۵: ۲۲۰ به بعد). میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ناصرالدین شاه بیش از امیرکبیر تحت تأثیر عثمانی بود. او در دوران دوازده ساله اقامت در استانبول به عنوان سفیر و نماینده سیاسی ایران با مردان ترقی خواه عصر تنظیمات، مخصوصاً فواد پاشا، عالی پاشا و متین پاشا روابط دوستانه داشت و از نزدیک در جریان تحولات عثمانی بود (آدمیت، همان، سراسر اثر). وی در یکی از گزارش هایش (اول صفر ۱۲۸۴) از استانبول می نویسد: «فرنگیان با اصرار و ایستادگی از رهبران عثمانی می خواهند که وضع مجلس شورای دولت را که فرانسویان به آن «کونسی دتا» می گویند، ایجاد کنند. این اصلاحات موجب ترقی ملت و دولت خواهد گردید.» (آدمیت ۱۳۴۰: ۶۱؛ ناظم الاسلام ۱۳۸۱: ۱۰۶/۲). سپهسالار پس از بازگشت به ایران و به ویژه در دوران صدراعظمی خود تلاش کرد تا افکار آزادیخواهانه را در میان شاه و مردم گسترش دهد (رئیس نیا ۱۳۸۴: ۴۹)، اما ناصرالدین شاه ضمن تظاهر به انجام اصلاحات؛ حتی در حد و اندازه سلطان عبدالحمید نیز راضی به این کار نبود. ناصرالدین شاه دوست داشت خود مبتکر اصلاحات باشد و نظارت کم و بیش مداوم «رجال تنظیمات» را در اصلاحات دیوانی، قضایی و نظامی بر نمی تافت. او این توصیه ناپلئون را جدی گرفته بود که: «دولت ایران باید رسوم و عادات قدیمی خود را محکم نگاه دارد و مثل عثمانی ها در جزئیات مسئله، مقلد یورپ [اروپا] نشود» (امانت ۱۳۹۱: ۴۶۴-۴۶۶). ناصرالدین شاه پس از بازگشت از سفر اروپا در بدو ورود به ایران به رجال دولت دستور نوشتن قانون داد و گفت: «در قواعد و قوانین هر دولت و مملکت غور و فحص کنید و آنچه را که ملائم طبع و موافق مزاج این مملکت می بینید، بنویسید» (امین الدوله ۱۳۵۵: ۱۳۳). در ربیع الاول ۱۳۰۷ ق اعضای دارالشورای دولتی تدوین قانون جدید را با ترجمه قانون اساسی عثمانی دوره مدحت پاشا آغاز کردند؛ امری که البته به جایی نرسید و در مقام عمل مورد استفاده قرار نگرفت (همانجا).

## ۵. نقش ایرانیان مقیم استانبول در انتقال مفاهیم مشروطه خواهی به ایران

استانبول شهری جذاب برای ایرانیان به شکل عام و روشنفکران ایرانی بود و بسیاری از روشنفکران و تاجران و نویسندگان ایرانی این شهر را برای زندگی در تبعید یا مهاجرت اجباری خود برگزیده بودند. میرزا حسین خان فراهانی که در سال ۱۳۰۲ق/ ۱۸۸۵م و اندکی پس از مشروطه عثمانی به استانبول رفته بود شمار تبعه ایران در استانبول را قریب شانزده هزار نفر ذکر کرده است (فراهانی ۱۳۶۲: ۱۲۹). ایرانیان استانبول در نتیجه تماس با روشن فکران و آزادی خواهان سایر ممالک و نیز مطالعه جراید و روزنامه های متفاوت و متنوع به مرور زمان دارای افکار آزادی خواهی می گردیدند (ملکزاده ۱۳۸۵: ۱۰۲۴/۵). یکی از مهم ترین طبقات ایرانی که در استانبول تحت تأثیر افکار جدید قرار می گرفتند دانش آموزان و دانشجویان بودند. حاجی پیرزاده که در سال ۱۳۰۸قمری وارد استانبول شده است در سفرنامه خویش از میرزا صادق خان صحبت می کند که فارغ التحصیل مدرسه ی سلطانی در استانبول و مصدر بسیاری از مشاغل دولتی در عثمانی بوده است (پیرزاده ۱۳۶۰: ۸۴/۲). گروه دیگر، بازرگانان و تجار بودند که افزون بر همدلی با افکار آزادی خواهانه، گاه به روشنفکران و آزادی خواهان تبعیدی یا فراری هم کمک می کردند. بازرگانان با مهاجران و تبعیدشدگان مقیم استانبول که به دلیل سیاست استبدادی قاجار و فضای اختناق آلود ایران به عثمانی می رفتند، تماس داشتند و به آنان کمک می کردند. همچنین بازرگانان ایرانی در سال ۱۳۰۱ق مدرسه و در سال ۱۳۰۴ق بیمارستانی برای ایرانیان مقیم استانبول ساختند (خان ملک ساسانی ۱۳۸۶: ۱۰۳). ایرانیان در استانبول علاوه بر مدرسه و مسجد و تکیه و حسینیه، در چند محله مشخص زندگی می کردند؛ قبرستان مخصوص خود را داشتند و در ایام عزاداری هم در محلات خود و خیابانهای اطراف آن با نظارت پلیس عزاداری می کردند و از آزادی قابل توجهی برخوردار بودند (اختر، س ۱۲، ش ۱۴، ۱۲ محرم ۱۳۰۳ / ۲۱ اکتبر ۱۸۸۵: ۱۰۵؛ نیز، نک: حضرتی ۱۴۰۱: سراسر اثر). مهم ترین مرکز تجمع ایرانیان در استانبول کاروانسرای خان والده یا والده خان در منطقه امین اونیو یکی از قدیمی ترین و بهترین محله های استانبول بود. این کاروانسرا که توسط مادر سلطان مراد چهارم (سلطنت: ۱۶۳۲-۱۶۴۰م) ساخته شده بود، بزرگ ترین کاروانسرای استانبول محسوب می شد و ساکنان آن، بیشتر ایرانی بودند. آنجا تنها مکانی برای تاجران و اتراق مسافران ایرانی نبود، بلکه کتابفروشی ها و حتی مراکز روزنامه هایی مانند اختر هم در

آن قرار داشتند. همچنین برخی عزاداری های ایرانیان استانبول در این کاروانسرا برگزار می شد (دوغان ۱۳۸۸: ۱۱۰۷-۱۱۱۸).

گروه سوم روشنفکران بودند. از جمله کسانی که در هنگام اقامت خود در عثمانی و پیش از سفر به انگلستان تحت تأثیر تحولات مدرن آن کشور قرار گرفت، میرزا ملکم خان بود. تأثیر پذیری ملکم از تحولات عثمانی چنان بود که وقتی در سال ۱۲۷۶ ق پیشمهاداتی برای اصلاح امور ایران داد، نام آن را «دفتر تنظیمات» یا کتابچه غیبی گذاشت [اشاره به عصر تنظیمات در عثمانی]. او در نامه هایی که برای رجال ایرانی می نوشت بارها به اصلاحات عثمانی اشاره و دولتمردان ایرانی را به انجام همان اقدامات تشویق کرده است. برای نمونه او در نامه ای به میرزا حسین خان سپهسالار می نویسد:

خبر بزرگ این است که مدحت پاشا صدراعظم شده است... مدحت پاشا در تنظیم دولت عثمانی کارهای بزرگ خواهد کرد و در این عالم نیز حریف شما خواهد بود... خلاصه میدان رقابت خوبی پیدا شده است. اگر باقی بماند کارهای عمده خواهد کرد... آیا این هنگامه ها کافی نیست از برای اثبات این که دنیای امروز ما اصلاً ربطی به دنیای چهل سال قبل ندارد (صفایی ۱۳۵۵: ۱۴-۱۶).

از دیگر روشنفکران ساکن عثمانی میرزا آقاخان کرمانی بود. او پس از آوارگی های متوالی نهایتاً در استانبول مقیم شد. در آنجا با حلقه های مختلف سیاسی و روشنفکران پایتخت عثمانی پیوند یافت و با عقاید جدید آشنا شد. میرزا آقاخان با نشریات فارسی زبان که در تبعید انتشار می یافت همکاری می کرد؛ به ویژه با روزنامه اختر که به مدیریت میرزا طاهر تبریزی در استانبول انتشار می یافت. او در نامه ۵ ربیع الثانی ۱۳۰۸ در معرفی خود به ملکم می نویسد:

سال گذشته مقاله ای در فن گفتن و نوشتن اگر در روزنامه اختر خوانده باشید که امضای آن میرزا آقاخان کرمانی بود، این بنده هستم که دلم از دست هرج و مرج اوضاع ایران صدبار بیشتر از همه شماها خون است (آقاخان کرمانی ۱۳۶۸: ۴۸).

میرزا آقاخان در روزنامه اختر مقاله های متعددی در انتقاد از دربار قاجار می نوشت. در حیات یحیی آمده است:

ارزیابی و تحلیل ماهیت تأثیرپذیری ... (اسماعیل شمس) ۱۶۷

امین السلطان خاطر شاه را از میرزا آقاخان بی نهایت آزوده ساخته طوری که شاه گاهی پا بر زمین زده با تعیّر می گوید آقاخان کرمانی و لبهای خود را می گزد، گاهی می گوید هرکس با آقاخان مکاتبه داشته باشد خانه اش را برسرش خراب می کنم.... (دولت آبادی ۱۳۷۱: ۱/ ۱۲۵).

سرانجام در ذی الحجه ۱۳۱۳ سلطان عثمانی فرمان تحویل میرزا آقاخان به همراه شیخ احمد روحی و خبیرالملک را به ایران صادر کرد و آنان را روانه تبریز نمودند و هر سه نفر را در هفته اول صفر ۱۳۱۴ در باغ اعتضادیه سربریدند (ناظم الاسلام ۱۳۸۱: ۲/ ۱۵۶؛ دولت آبادی ۱۳۷۱: ۱/ ۱۶۶).

گروه دیگری که البته ساکن استانبول نبودند؛ اما با عثمانی ارتباط داشتند و بعدها نقش آنها را در انقلاب مشروطه می توان دید؛ علما بودند. بر پایه اسناد موجود در آرشیو عثمانی، سید عبدالله بهبهانی چندین بار از دولت عثمانی درخواست کمک مالی کرده بود و هر ساله از طریق سفارت عثمانی در تهران مبالغی در اختیار او قرار می گرفت (عربخانی ۱۳۹۲: ۱۵۰). بخشی از حوزه نجف و عتبات عالیات هم که در قلمرو عثمانی قرار داشت، از جمله آخوند خراسانی و شاگردان او تحت تأثیر تحولات جدید در جامعه عثمانی قرار داشتند. ارتباط سلطان عبدالحمید دوم با علمای شیعه ایران، چه در قلمرو عثمانی و چه در داخل ایران و کمک به آنان بیشتر در چارچوب تئوری اتحاد اسلام او قرار داشت. در مقطعی مهم از دوران او سید جمال الدین اسدآبادی در نقش حلقه واسطه عثمانی و علمای شیعه ایران تأثیر بسیار مهمی را در گسترش نظریه اتحاد اسلام و برخی گرایشهای نوگرایانه موجود در عثمانی در میان علمای شیعه ایرانی گذاشت (همان: ۱۵۱ به بعد). این نکته را هم نباید نادیده گرفت که در هنگام انقلاب مشروطه شمس الدین بیگ سفیر عثمانی در تهران واسطه میان علمای مشروطه خواه و مظفرالدین شاه بود و این نقش میانجی او نمی تواند بی ارتباط با رابطه نزدیکش با مشروطه خواهان ایرانی باشد که روزگاری در عثمانی بودند یا از مشروطه عثمانی تأثیر گرفته بودند (دولت آبادی ۱۳۷۱: ۲۱/۴).

## ۶. نقش روزنامه اختر در انتقال مشروطه عثمانی به ایران

مهم ترین گروهی که نقش آنها در انتقال فرهنگ مشروطه خواهی در ایران بیش از دیگران است، روزنامه نگاران و صاحبان جراید بودند. در دوران قاجار روزنامه تنها رسانه مدرن بود

که بر نسل نو و باسواد جامعه تأثیر می گذاشت و روشنفکران منتقد هم که به سبب اختناق و استبداد موجود در ایران، از آزادی نوشتن در روزنامه های داخلی بی بهره بودند؛ در کشورهای خارجی و به ویژه همسایگان روزنامه نگاری غیر رسمی را بنیان نهادند تا صدای خود را به گوش مردم داخل ایران و ایرانیان سایر کشورها برسانند. اختر در سرمقاله شماره اول خود با عنوان "روزنامه و گزت" در این باره می نویسد:

روزنامه و گزت، روشنایی بخش آفاق مدنیت است و کحل الجواهر آفاق، ترقی ملک و ملت، فلک دانش را ماهی است تابان و آسمان هنر را مهری است درخشان. راستی جویان را مجموعه لطایف آثار است. آگاهی خواهان را جریده و خلاصه افکار. (اختر، سال ۱، شماره ۱: ۱، ۱۶ ذی حجه ۱۲۹۲ق/ ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶م).

مدیریت اختر با محمدطاهر تبریزی بود و شماره اول آن در ۱۶ ذی حجه ۱۲۹۲ق/ ۱۳ ژانویه ۱۸۷۶م منتشر شد؛ یعنی در همان سالی که انقلاب مشروطه عثمانی رخ داد. همزمانی انتشار اختر با آغاز مشروطه عثمانی سبب شد که این روزنامه بتواند ناظر و ناقل رخدادهای منجر به مشروطه و خود واقعه مشروطه برای ایرانیان باشد. روزنامه اختر برای مدتی در طول سال ۱۲۹۳ ق تعطیل شد؛ اما به کمک فرهنگ دوستان و گویا حمایت چند نفر از تبعه عثمانی سرانجام در آغاز سال ۱۲۹۴ق دوباره انتشار خود را از سر گرفت و در طول ۲۰ سال پیاپی تا ۱۳۱۴ق/ ۱۸۹۶م انتشار یافت (آدمیت ۱۳۸۵: ۴۰۸؛ برزین: ۱۳۷۱، ۳۸). اختر در آغاز هر هفته به استثنای روزهای جمعه و یکشنبه منتشر می شد. پس از مدتی هفته ای دوبار منتشر می شد و پس از آن انتشار خود را به هفته ای یک بار محدود کرد (اختر، س ۳، ش ۱۱: ۸، ۲۴ صفر ۱۲۹۴/ ۱۰ مارس ۱۸۷۷). انتخاب نام اختر توسط گردانندگان و استقبال از آن توسط خوانندگان نیز خود گویای رسالت این روزنامه است که مدعی تاباندن نور بر تاریکی بود. در یکی از شماره های اختر آمده است: «اختر درخشنده که فی الحقیقه خادم عالم انسانیت و مربی جهان علم و ادب است در خدمت نمودن به دولت و ملت به هیچ وجه قصور نمی ورزد» (اختر، س ۸، ش ۱۶: ۱۲۴). مدیر روزنامه اختر میرزا طاهر تبریزی و سردبیر آن حاجی میرزا مهدی اختر، هر دو پیش از انتشار اختر از تاجران سرشناس ایرانی در استانبول بودند و بازرگانان ایرانی استانبول نیز از اختر پشتیبانی مالی می کردند (رئیس نیا ۱۳۷۴: ۴۱۹). بیشتر نمایندگان فروش اختر هم در داخل و خارج عثمانی از بازرگانان بودند. برای نمونه نماینده فروش اختر در تبریز، ابراهیم آقا تاجر کاشانی؛ در



رشت، محمد آقا تاجر اصفهانی؛ در کرمانشاه، حسن وکیل التجار؛ در بغداد، آقا محمد کاظم تاجر اصفهانی؛ در ارزروم، ملا صادق تاجر دیلمقانی؛ در بیروت، حاجی بابا تاجر دیلمقانی؛ در اسکندریه، عمده التجار حبیب غرزوزی و در کلکته محمد علی تاجر شیرازی بودند (اختر، س ۶، ش ۱۲: ۱۰۰، ۲۱ ربیع الاول ۱۲۹۷/۳ مارس ۱۸۸۰). از جمله مهم ترین نویسندگان روشنفکر اختر می توان به میرزا یوسف مستشارالدوله، میرزا حسین خبیر الملک، میرزا حبیب اصفهانی، میرزا آقاخان کرمانی، احمد روحی، علی محمد خان کاشانی، و طالبوف اشاره نمود؛ نامهایی که هر کدام به تنهایی نقش زیادی در آگاه کردن ایرانیان از تحولات روز دنیا و سوق دادن آنها به سوی مشروطه داشتند (نوایی ۱۳۷۷: ۴-۱۲). با نگاهی به وکلا (نمایندگان فروش اختر) در شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، رشت، مشهد، کرمانشاه، سنندج، همدان، بغداد، دیاربکر، ارزروم، ازبیر، بیروت، اسکندریه، قاهره، حیدرآباد، کلکته، مدراس، کراچی و ... (اختر، س ۶، ش ۱۲: ۱۰۰، ۲۱ ربیع الاول ۱۲۹۷/۳ مارس ۱۸۸۰؛ همان، س ۱۷، ش ۲: ۱۶، ۱ محرم ۱۳۰۸/۲۶ آوریل ۱۸۹۰) و نیز ممالک دیگری که اختر در آنها نماینده نداشت، اما به فروش می رسید، می توان گفت که اختر در قالب شبکه ای منظم ایرانیان داخل استانبول را با ایرانیان سایر نواحی عثمانی، هند، قفقاز، دنیای عرب، غرب و نیز مردم داخل ایران متصل کرده بود و به همین سبب در غیاب احزاب و تشکلهای سیاسی کارکرد یک حزب سیاسی را یافته بود (همان، س ۱۳، ش ۱۸: ۱۴۳، ۸ جمادی الاول ۱۳۰۴/۲ فوریه ۱۸۸۷). اختر در بیشتر شماره هایش بر مفاهیمی مانند آزادی و بیداری ملل تأکید می کرد. اختر میان ملت و وطن پیوند برقرار می کرد و همه مردم را صرف نظر از قومیت و زبان و مذهب جزو پیکره ملت ایران می دانست (همان، س ۱، ش ۷: ۲۵). مدیر اختر روزنامه نگاران همکارش را «روزنامه نگار ملی» خوانده و وظیفه آنها را تشویق مردم به اخلاق پسندیده و آگاه کردن دولت از نقایص کارهای ملکی و مملکتی دانسته است (همان، س ۹، ش ۱: ۱، ۲ محرم ۱۳۰۰/۲۸ نوامبر ۱۸۸۲). او همچنین هدف از انتشار روزنامه را دفاع از «منافع ملیه و وطنیه» نوشته است که فلسفه تشکیل دولت مدرن مشروطه است (همان، س ۹، ش ۲۴: ۱۸۱، ۱۶ جمادی الاخر ۱۳۰۰/۲۴ آوریل ۱۸۸۳). به این ترتیب، نخستین بار در عثمانی و با انتشار اختر بود که روزنامه نگاری غیر دولتی و غیر رسمی ایرانی متولد شد. اختر به روشنفکران ایرانی یاد داد که می توانند با فعالیت در خارج از کشور روزنامه نگاری رسمی و دولتی را دور بزنند و تضعیف نمایند. به همین سبب بود که چند سال پس از اختر روزنامه های قانون در لندن، جبل المتین در کلکته و

حکمت، چهره نما، ثریا و پرورش در مصر منتشر شدند؛ به این ترتیب انتقال مفاهیم مدرن از خارج به ایران تنها به اختر و عثمانی محدود نماند و ایرانیان از جاهای دیگر نیز اندیشه مشروطه خواهی را اخذ و منتقل می کردند. همچنین اختر تنها ترجمان افکار عثمانی ها نبود، بلکه به عنوان روزنامه ای فارسی زبان مستقیماً افکار مدرن را از غرب اخذ می کرد و به مخاطبانش در ایران و حتی عثمانی انتقال می داد؛ تأثیرگذاری اختر بر عثمانی ها چنان بود که سلطان عبدالحمید را هم نگران کرد و دستور توقیف آن را صادر نمود. با توجه به نقش بی بدیل اختر در انتقال مفاهیم مشروطه و گسترش افکار نو و ترقی خواهانه در ایران هیچ عجب نیست که ترقی خواهان را در ایران و قفقاز «اختری مذهب» می نامیدند (پروین ۱۳۷۷: ۱/۲۵۵). نفس اطلاق چنین لفظی به مشروطه خواهان نشان می دهد که نقش عثمانی در تأثیرگذاری بر مشروطه ایرانی تنها صوری بوده است و اگر غیر این بود علی القاعده باید مشروطه خواهان ایرانی را عثمانی مذهب می نامیدند.

## ۷. اصطلاحات و ادبیات مشروطه

یکی از مهم ترین عرصه های صوری تأثیرپذیری ایرانیان از مشروطه عثمانی در حوزه لفظی، اصطلاحات و ادبیات مشروطه است. ایرانیان اصطلاح مشروطه و بسیاری دیگر از اصطلاحات سیاسی مربوط به نظام مشروطیت را از عثمانی ها گرفتند و با همان شکل و سیاق و بدون هیچ تغییری به کار بردند. همانا ناطق بر این باور است که تنظیمات (اصلاحات عثمانی) در هر دوره الهام بخش دولتمردان ایران همچون عباس میرزا، امیرکبیر، سپهسالار و میرزا ملکم خان بودند؛ تا جایی که آن واژه ها و عباراتی را که عثمانیان برای نهادهای نوین خود برگزیدند؛ ایرانیان به همان شکل به عاریت گرفتند (ناطق ۱۳۷۸: ۲۸۵/۱-۲۸۶). عطاءالله حسنی هم در پژوهش خود درباره روزنامه شمس، چاپ استانبول نشان داده است که این روزنامه از ادبیات و واژگان بیگانه و عثمانی تأثیر بسیار زیادی پذیرفته و آنها را به همان شکلی که در عثمانی به کار برده می شدند، آورده است. همچنین نامهای کشورها، شهرها، اماکن و مذاهب و مانند آن هم درست به شیوه عثمانی ها آمده است. این تأثیرپذیری تا به حدی است که گاه شیوه تلفظ را هم شامل شده و اتاق به شکل اوطاق و شکنجه به صورت اشکنجه آمده است (حسنی ۱۳۸۷: ۴۷). تأثیرپذیری از الفاظ و واژگان عثمانی شامل کلمه مشروطه نیز شد. این اصطلاح که نخستین بار در عثمانی به کار

رفته بود از آنجا وارد ایران شد (تقی زاده، بی تا: ۳۹، ۲۵۳-۲۵۴). عثمانی ها خود اصل واژه را از کلمه فرانسوی لاشارته (lacharte) گرفته اند که در زبان فرانسوی معنای نزدیکی با شرط عربی دارد. این واژه در ادبیات سیاسی مشروطه معادل دولت قانون یا کنستیتوسیون است و بیش از هر چیز برای تأکید بر محدود کردن و مشروط کردن قدرت پادشاه به کار می رود. شاید به همین دلیل است که در ادبیات سیاسی اسلامی نیز برای چنین مفهومی مشروطه به کار رفته است. طهطاوی از متفکران نوگرای عرب در قرن ۱۹م قانون اساسی فرانسه را الشرطه می نامد که معادل لاشارته نیز می باشد و به همین استناد می توان نسبتی میان قانون و مشروطه و لاشارته برقرار کرد (حائری ۱۳۶۴: ۲۸۷-۲۹۱؛ نیز؛ نک: منصوربخت و فرجی ۱۳۹۴: ۱۳۶ به بعد). پیش از آن خط گلخانه را هم شرط نامه نامیده بودند؛ زیرا آن منشور هم قدرت سلطان را محدود و مشروط می کرد (وفادار ۱۳۸۳: ۱۰۹). یکی از نخستین مجراهای انتقال الفاظ و اصطلاحات مشروطه عثمانی به ایران روزنامه اختر بود. درباره نقش اختربه عنوان یکی از راههای انتقال فرهنگ و ادبیات مدرن در ایران کارهای زیادی انجام شده و دهها کتاب و مقاله و پایان نامه در این باره نوشته شده است (برای نمونه، غلامی: ۱۳۹۷؛ غلامی و دهقان نژاد: ۱۳۹۷؛ رفعتی پناه: ۱۳۹۳؛ عباسی: ۱۳۸۶؛ بهروزی و صحرانورد: ۱۳۹۲). اختر تمام تحولات عثمانی از جمله مشروطه آن کشور را در صفحات مختلف خود به زبان فارسی ساده و قابل فهم برای همگان منتشر می کرد. این روزنامه نظریات برخی اندیشمندان عثمانی مانند مصطفی فاضل پاشا، نامق کمال و محمدپاشا را که مشروطه عثمانی را با استناد به آیات و احادیث توجیه و تأیید می کردند، به فارسی ترجمه و چاپ می کرد. اختر همچنین مطالب زیادی را درباره دولت و ملت مدرن و گسترش وطن پرستی منتشر می کرد. نخستین اقدام مهم اختر مخابره خبر مشروطه عثمانی به ایران بود. اختر که از ۱۸ ربیع الاول ۱۳/۱۲۹۳ آوریل ۱۸۷۶ خبر از توقف فعالیت خود به سبب پاره ای مشکلات داده بود، در زمان وقوع مشروطه عثمانی تعطیل بود، اما ۱۸ روز پس از صدور دستخط مشروطیت و پس از ۸ ماه تعطیلی فعالیت خود را در ۲۵ ذی حجه ۱۳/۱۲۹۳ ۱۱ ژانویه ۱۸۷۷ از سر گرفت (اختر، س ۲، ش ۶۱: ۱). اختر در این شماره به تفصیل از تحولات منجر به صدور دستخط مشروطیت از عزل سلطان عبدالعزیز در جمادی الاول ۱۲۹۳/مه ۱۸۷۶ و انتخاب سلطان مراد پنجم به جای او، قتل عبدالعزیز و پس از آن کنار رفتن سلطان مراد و جانشینی سلطان عبدالحمید دوم بحث کرده است. نویسنده اختر

پس از آن مشروطه را «یک نیک بختی تازه برای عثمانی ها» و سلطان عبدالحمید را «محبی دولت و ملت» خوانده و درباره مشروطه عثمانی نوشته است:

نیکبختی بزرگ تر از این را نتوان تصور کرد که به تأسیس یک قانون اساسی صنوف تبعه و اهالی را آزادی و برابری در مواد سیاسی و حقوقیه بخشیدند و پس از آنکه دولت بلاشرط بود، اداره کلیات متعلقه به آنها را به صواب دید و مشورت یک مجلس عمومی ملتی محول و مشروط فرمودند (همان، ۵).

چنانکه دیده می شود تعبیر اختر از دولت مشروطه (کنستیتوسیون) دولت مشروط به مجلس، در برابر دولت استبدادی یا «دولت بلاشرط» است و این، شاید نخستین ترجمه و تفسیری است که در نشریه ای فارسی زبان از مشروطه شده است. اختر در پایان مطالب خود وعده می دهد که در شماره های آینده متن قانون را به فارسی ترجمه و منتشر خواهد کرد (همانجا). اختر در صفحه نخست شماره بعدی خود که نخستین شماره سال سوم است به جای سرمقاله، قصیده ای به زبان فارسی از شاعری به نام فیضی [شاید فیضی زهاوی] در مدح مشروطه خواهی سلطان عبدالحمید می آورد (همان: ۱، ۲ محرم ۱۲۹۴/۱۷ ژانویه ۱۸۷۷). در صفحه دوم این شماره ترجمه کامل فرمان مشروطیت عثمانی یا دستخط سلطان عبدالحمید را که در ۲۳ دسامبر ۱۸۷۶م/ ۷ ذی حجه ۱۲۹۳ق خطاب به مدحت پاشا نوشته شده است، می آورد و در آغاز آن می نویسد که در روز امضای این دستخط

مراسم شادی و موزیک و شلیک توپ به عمل آمد که آن روز برای عموم تبعه و اهالی یک روز شادی و جشن بزرگی بود، چه اعلان این قانون اساسی را مبدأ یک نیک بختی تمامی برای خود و وطن خود دانستند همدیگر را تبریک و تهنیت گفتند (همان: ۲).

روزنامه اختر در تاریخ ۱۶ محرم ۱۲۹۴/ ۳۱ ژانویه ۱۸۷۷ خبر می دهد که روز مشروطه عثمانی از سوی سلطان عبدالحمید به عنوان روز جشن رسمی اعلام شده است و اختر این روز را یکی از صفحات تاریخ نیک بختی مشرقستان می نامد. اختر در مطلب دیگری ماده هفتم قانون اساسی عثمانی را که همه اتباع آن کشور را جز در امور مذهبی در سایر حقوق و وظایف برابر می داند از اصول مهم آن می خواند (همان، ۳، ۳: ۲، ۱۶ محرم ۱۲۹۴/ ۳۱ ژانویه ۱۸۷۷). اختر در صفحه اول شماره ۴ سال سوم خود ترجمه دستخط سلطان عبدالحمید را خطاب به ادهم پاشا صدراعظم جدید عثمانی می آورد و در صفحه دوم تا هشتم هم ۱۱۹ اصل این قانون را به فارسی ترجمه می کند (همان، ۳، ۳: ۲-۲).

۸، ۲۳ محرم ۱۲۹۴/۷ فوریه ۱۸۷۷). اختر پیش از آغاز ترجمه قانون اساسی به فارسی، درباره آن توضیح می دهد و می نویسد: "این قانون همه نیک بختی مشرق زمین را اساس است و اقوام وطن را پس از وحشت و بیگانگی واسطه یگانگی و استیناس، تاریخ جهان را سرمایه افتخار است و دولت آل عثمان را برترین پایه شرف و اعتبار... (همان: ۲). با بررسی مقدمه اختر بر ترجمه متن قانون اساسی مشروطه عثمانی مشخص می شود که اختر ضمن توصیف انقلاب مشروطه عثمانی سعی کرد به خوانندگان خود وانمود کند که مشروطه منافاتی با قوانین اسلامی ندارد و حتی تضمین کننده برخی اصول مسلم اسلامی مانند حریت و عدالت است (همانجا). اختر در ضمیمه متن قانون اساسی عثمانی یک "یادآوری و اخطار مخصوص" برای خوانندگان ایرانی اش منتشر می کند و چند نکته را تذکر می دهد که در موضوع تأثیر مشروطه عثمانی بر مشروطه ایرانی بسیار مهم هستند. این ضمیمه نشان می دهد که مشروطه ایرانی در فرم و ظاهر تحت تأثیر مشروطه عثمانی بوده و نخستین حلقه واسطه این تأثیر صوری هم روزنامه اختر بوده است. از آنجا که ترجمه فارسی قانون اساسی عثمانی پیش از اختر در هیچ جای دیگر چاپ نشده بود، اختر می نویسد: "پوشیده نیست که ترجمه قانون اساسی پاره ای عبارتها و اصطلاحات دارد که در زبان ترکی مصطلح است و مغایر وضع اصلاحات زبان حالایی ایران؛ و دور نیست در وقت مطالعه کردن آن ابتدائاً بعضی ها بدون ملاحظه در این باب تصور عیب جویی و اعتراضی را نمایند، بنابراین عرض می شود که اسلوب عبارات این گونه قانونها که برای دولت دیگر و ملت دیگر است و زبان و اصطلاحات ایشان غالباً موافق استعمالات ایران نیست، نباید تغییر داده شود". اختر برای مثال از هیئت مبعوثان نام می برد و می نویسد که هیئت در این جا بار معنایی متفاوتی دارد (همان: ۹). با نگاهی به قانون اساسی مشروطه ایران مشخص می شود که افزون بر مشروطه و هیئت و مجلس مبعوثان و ... بسیاری از اصطلاحات آن همان اصطلاحات قانون اساسی عثمانی هستند و ایرانی ها بدون دخل و تصرف چندانی آنها را به کار برده اند.

## ۸. نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد تا در برابر دو گزاره عثمانی، سازنده مشروطه ایران و نفی این گزاره، دیدگاه سومی ارائه شود که بر اساس آن مشروطه ایران به لحاظ ریشه شناسی

تاریخی، زمینه‌ها و محتوا امری درون‌زا بود؛ اما در صورت و فرم تا حدود زیادی تحت تأثیر عثمانی قرار داشت. علت این پدیده در درجه نخست، همسایگی و سرنوشت تاریخی مشترک، تقدم زمانی مشروطه عثمانی نسبت به ایران و تطبیق مشروطه با قواعد اسلامی در آن کشور و پیدایش ادبیات خاص مشروطه بود. ایرانیان مقیم استانبول اعم از روشنفکران، دانشجویان، روزنامه‌نگاران، بازرگانان، سفیران و علما نقش زیادی در انتقال اندیشه مشروطه خواهی به ایران داشتند. در میان آنها نقش روزنامه اختر از همه مهم‌تر بود. اختر به عنوان نخستین روزنامه فارسی خارج از کشور که در استانبول منتشر می‌شد، حلقه وصل یک شبکه ارتباطی بود که ایرانیان سراسر جهان را به هم متصل می‌کرد. رویکرد اختر در برابر روزنامه‌های داخلی که مدافع بی‌چون و چرای سلطنت بودند به مشروطه سلطنتی نزدیک‌تر بود و مشروطه عثمانی را تبلیغ می‌کرد. اختر با چاپ قانون اساسی مشروطه عثمانی و ذیل و ملحقات و ضمایم آن و انتقال مشروطه خواهی عثمانی در دو سطح دولتی و ملتی بیش از هر رسانه دیگری بر مشروطه ایرانی تأثیر گذاشت. با وجود این که ادبیات قانون اساسی مشروطه ایران و بسیاری از لغات و اصطلاحات مرتبط با مشروطه خواهی اقتباس از عثمانی است؛ اما به لحاظ محتوایی قانون اساسی مشروطه ایران مترقی‌تر از عثمانی و به مبانی مشروطیت نزدیک‌تر است. قدرت پارلمان در ایران از عثمانی بیشتر و قدرت شاه کمتر از سلطان عثمانی است. بررسی تطبیقی ریشه‌های مشروطه ایران و عثمانی نشان می‌دهد که ایرانیان سالها پیش از مشروطه عثمانی با مفاهیم دولت و ملت مدرن و پارلمان آشنا بودند و افزون بر اروپا نیم‌نگاهی هم به تجربه‌های مشروطه خواهی در روسیه، هند، ژاپن و مصر داشتند؛ بنابراین محتوای مشروطه ایرانی را هرگز نمی‌توان نمونه ثانویه مشروطه عثمانی و تقلید آن نامید.

## کتاب‌نامه

آدمیت، فریدون (۱۳۸۵)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*، تهران: خوارزمی  
همو (۱۳۴۰)، *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران*، تهران: سخن  
آقا خان کرمانی، عبدالحسین (۱۳۶۸)، *نامه‌های تبعید*، به کوشش هما ناطق و محمد فیروز،  
کلن (آلمان): افق

اختر، به کوشش عبدالحسین نوایی و همکاران (۱۳۷۷)، تهران: کتابخانه ملی

ارزیابی و تحلیل ماهیت تأثیرپذیری ... (اسماعیل شمس) ۱۷۵

امانت، عباس (۱۳۹۱) *قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: کارنامه

امین الدوله، میرزا علیخان (۱۳۵۵)، *خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله*، تهران: امیر کبیر  
برزین، مسعود (۱۳۷۱)، *شناسنامه مطبوعات ایران از سال ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷* ش، تهران: بهجت  
بهروزی، مهرناز؛ صحرانورد، فاطمه (۱۳۹۲)؛ *بررسی گفتمان های سیاسی عصر ناصری با تأکید بر روزنامه های برون مرزی (روزنامه اختر)*، نشریه تاریخ، ش ۳۲  
بهنام، جمشید (۱۳۷۲)، «*منزلگاهی در راه تجدد ایران*»، نشریه ایران نامه، شماره ۲۴  
پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷)، *تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

پیرزاده، محمدعلی (۱۳۶۰)، *سفارت نامه حاجی پیرزاده*، تهران: بابک

تقی زاده، حسن (بی نا)، *مقالات تقی زاده*، تهران: توس

حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، *تشیع و مشروطیت و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران: امیر کبیر

حضرتی، حسن (۱۳۸۹)، *مشروطه عثمانی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام

همو (۱۳۸۶)، «*مقایسه اختیارات سلطان در قوانین اساسی مشروطه ایران و مشروطه اول عثمانی*» (۱۸۷۶م)، فصلنامه الزهراء، سال ۱۷، شماره ۶۵

همو (۱۳۸۸)، «*رویارویی سنت و تجدد در تدوین قانون اساسی عثمانی*»، مطالعات تاریخ اسلام، سال ۱، شماره ۲

همو (۱۳۸۸)، «*اختیارات مجلس در قوانین اساسی مشروطه ایران و عثمانی*»، پژوهش های تاریخی، شماره ۳

همو، ایرانیان استانبول (۱۴۰۱)، تهران: لوگوس

حسنی، عطاءالله (۱۳۸۷)، «*تحلیل محتوایی (شمس) استانبول*»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۸۵

خان ملک ساسانی، احمد (۱۳۸۶)، *یادبودهای سفارت استانبول*، تهران: اساطیر

خلیلی خو، محمدرضا (۱۳۷۳)، *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه*، تهران: جهاد دانشگاهی

دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۵۱)، *مآثر سلطانیه*، به اهتمام غلامحسین صدری افشار، تهران: ابن سینا

دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، *حیات یحیی*، تهران: عطار

دوغان، اسراء (۱۳۸۸)، «*استانبول ایرانیان و کاروانسرای والده خان*»، پیام بهارستان، دوره ۲، شماره ۴

- دهقانی، رضا (۱۳۹۰)، «ضرورت ها و راهکارهای ترجمه متون تاریخی عثمانی به فارسی»، پژوهش نامه انتقادی
- متون و برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۲  
رئیس نیا، رحیم (۱۳۷۴)، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، تبریز: ستوده
- رفعتی پناه، مهدی (۱۳۹۳)، «اندیشه آزادی و اقسام آن از دید روزنامه اختر»، فصلنامه علمی تخصصی  
کارنامه تاریخ: سال ۱، شماره ۱
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۷)، *انقلاب مشروطه در ایران و نقش امپراتوری عثمانی*، تاریخ اسلام، سال ۹،  
شماره ۳۵ و ۳۶
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۰)، *رسائل سیاسی عصر قاجار*، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی  
ایران
- شوشتری، عبداللطیف (۱۳۶۳)، *تحفه العالم و ذیل التحفه*، به کوشش صمد موحد، تهران: طهوری
- شیرازی، میرزا صالح (۱۳۴۷)، *سفرنامه*، تهران: طهوری
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۵)، *نامه های تاریخی*، تهران: بابک
- عباسی، مسلم (۱۳۸۶)، «تأثیر روزنامه اختر بر پدیده قانون خواهی در انقلاب مشروطیت»، فصلنامه  
یاد، شماره ۸۵
- عریخانی، رسول (۱۳۹۲)، *تحلیلی بر جایگاه علمای ایرانی در برنامه پان اسلامیسیم عثمانی از منظر  
اسناد و روایت های عثمانی*، تاریخنامه ایران بعد از اسلام، شماره ۷
- غلامی، داریوش (۱۳۹۷)، *ترقی خواهی در عصر ناصری به روایت روزنامه اختر*، تهران: مورخان
- غلامی، داریوش و مرتضی دهقان نژاد (۱۳۹۷)، *رویکرد روزنامه اختر (۱۲۹۲-۱۳۱۴ق) به  
ساختار سازی مدنی با تکیه بر نهاد مجلس شورا (پارلمان)*، فصلنامه پژوهش های علوم تاریخی،  
شماره ۲
- فراهانی، محمد حسین (۱۳۶۲)، *سفرنامه میرزا حسین فراهانی*، تهران: فردوسی
- قدیمی قیداری، عباس، صادقی کاکرودی، علی (۱۳۸۸)، *رویکرد روزنامه اختر به اندیشه های سیاسی  
جدید و انقلاب فرانسه*، فصلنامه تاریخ، سال ۴، شماره ۱۴
- گزیده هایی از روزنامه شمس (۱۳۸۶)، *نشریه یاد*، شماره ۸۵
- گوئل کهن (۱۳۶۳)، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*، جلد اول، تهران: آگاه
- لوئیس، برنارد (۱۳۷۲)، *ظهور ترکیه نوین*، ترجمه محسن علی سبحانی، تهران: ناشر مؤلف
- ملک زاده، مهدی (۱۳۸۵)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: سخن



ارزیابی و تحلیل ماهیت تأثیرپذیری ... (اسماعیل شمس) ۱۷۷

منصور بخت، قباد؛ فرجی، مهدی (۱۳۹۴)، «مفهوم و ارکان مشروطیت در روزنامه حبل‌المتین کلکته»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۷، شماره ۳  
ناطق، هما (۱۳۷۸)، «پی‌آمدهای سیاسی و اقتصادی «تنظیمات» عثمانی: ترکان - ارمنیان، ایرانیان»، بخارا، شماره ۵

ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۸۱)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: آگاه

وفادار، علی (۱۳۸۳)، «بررسی و تحلیل واژه مشروطه و مناسبات آن»، نامه انجمن، شماره ۱۴  
روزنامه اختر

روزنامه «ملت سنیه ایران

روزنامه وقایع اتفاقیه

Berkes, Niyazi (1998), *The Development of Secularism in Turkey*, London, Hurst

